

## بررسی تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی قرآن آربری،

### شاکر و قرایی از آیات منتخب سوره رعد

خدیجه عامری \*

زینب‌السادات حسینی \*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۸

تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۰۶/۰۱

#### چکیده:

قرآن کتابی است با زیبایی ظاهری و عمق معنایی تکرارناشدنی و هر ترجمه تلاشی است بشری جهت انتقال این اثر الهی به مخاطبان و از آنجایی که این فرآیند خالی از کاستی نیست، پالایش ترجمه‌های قرآن جهت هر چه روزآمدتر کردن آنها امری لازم و ضروری می‌نماید تا پیام قرآن با کمترین خلل به گوش جهانیان برسد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به مقایسه سه ترجمه انگلیسی قرآن کریم توسط آربری، شاکر و قرایی از آیات ۲، ۴ و ۱۶ سوره مبارکه رعد، از جهت واژگان و ساختار می‌پردازد. نتایج این تطبیق موردی نشان می‌دهد که آربری با پایبندی به صورت الفاظ متن اصلی کوشیده تا بار ادبی و زبان کهن و موجز قرآن را در ترجمه منتقل کند. اما این مبدأگرایی ضمن کاستن از قابلیت ارتباطی ترجمه‌اش، سبب شده وی بدون در نظر گرفتن بطون قرآن و تطورات واژگان و تنها بر مبنای ظاهر آنها قضاوت کند. قضاوتی که منجر به دخل و تصرف در حقیقت کلام الهی شده است. در مقابل، شاکر با گرایش به سمت خواننده، انتقال معنا را به تقید به ظاهر الفاظ ترجیح داده است. این رویکرد باطن‌گرایانه، گاه به عدم تبعیت از اصل مطابقت در ترجمه انجامیده است. در این میان قرایی ضمن پایبندی به صورت متن اصلی، در ترجمه‌ای عبارت به عبارت، حقایق قرآن را در قالب ادبیاتی امروزی به مخاطب عرضه کرده است و حاصل تلاشش ترجمه‌ای است روان، با کمترین میزان اختلاف نسبت به متن اصلی.

کلیدواژه‌ها: قرآن، ترجمه، آربری، شاکر، قرایی.

\* کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران kh.ameri63@yahoo.ca

\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) z.hosseini@umz.ac.ir

مقدمه

اسلام دینی است با پیامی جهانی برای همه بشریت و این مهم در آیات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته، چنان که فرمود: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان/ ۱) و برای رساندن این پیام الهی به گوش جهانیان، لزوم برگردان قرآن به زبان‌های غیرعربی کاملاً احساس می‌شود.

البته مسأله در خور توجه این است که قطعاً ترجمه قرآن با خود قرآن برابر نیست و حکم معجزه الهی را ندارد؛ چرا که ترجمه، تلاشی است بشری و لاجرم مختلف و ناقص، به طوری که گاهی حتی سبب تغییر و یا ابهام معنای قرآن کریم شده است و اینجا است که ضرورت تحلیل و بررسی ترجمه‌های صورت گرفته و کشف لغزش‌های احتمالی مترجمان با هدف دستیابی به ترجمه‌ای دقیق‌تر و روان‌تر نمایان می‌شود تا علاوه بر کمک به خوانندگان جهت فهم بهتر قرآن کریم، مسیر برای مترجمان آینده نیز روشن گردد.

طبق آخرین آمار رسمی که کتاب‌شناسی جهانی ترجمه‌های قرآن مجید، منتشر کرده، تعداد ترجمه‌های کامل قرآن به انگلیسی تا سال ۱۹۸۰ میلادی، ۲۹۵ مورد و ترجمه‌های غیرکامل ۱۳۱ مورد است (اسعدی، ۱۳۶۵: ۴۹). از جمله مترجمان قرآن به زبان انگلیسی می‌توان به آرتور جان آربری<sup>۱</sup>، محمد شاکر<sup>۲</sup> و سید علی‌قلی قرایی اشاره کرد.

آرتور جان آربری، اسلام‌شناس و خاورشناس انگلیسی، در ۱۲ می ۱۹۰۵ میلادی متولد شد (خرمشاهی، ۱۳۸۱: ۳۱/۱). او که به زبان‌های یونانی،

لاتین، عربی و فارسی مسلط بود به کشورهای اسلامی چون مصر، ترکیه، فلسطین، لبنان و سوریه سفر کرد و در زمینه ادبیات عربی و فارسی تحقیقات بسیاری انجام داد (اردستانی ۱۳۸۰: ۸۵/۱۵). وی به عنوان رئیس گروه ادبیات یونان و روم باستان دانشگاه قاهره و بعدها به عنوان استاد زبان فارسی در دانشگاه لندن و استاد زبان عربی در دانشگاه‌های لندن و کمبریج انجام وظیفه کرد و دانش کامل و دقیقی در زمینه اسلام و فرهنگ اسلامی داشت (قدوایی، ۱۳۷۷: ۲۳/۹-۲۴). وی ترجمه قرآن خود را با نام «قرآن مفسر» در سال ۱۹۵۵ میلادی در لندن به چاپ رساند.

محمدشاکر پاکستانی (خرمشاهی، ۱۳۷۳: ۱۰۸/۲) ترجمه خود را در سال ۱۹۶۸ در کراچی به چاپ رساند (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۳۹/۱۸). گرچه ۹۰ درصد ترجمه او لفظ به لفظ از قرآن محمدعلی لاهوری نسخه برداری شده اما به علت دقت در ترجمه و فهرست‌های موضوعی مناسب، بارها و بارها در کشورهای مختلف تجدید چاپ شده است (همان: ۱۳۹-۱۴۱).

سیدعلی‌قلی قرایی، متولد ۱۹۴۷ میلادی در شهر حیدرآباد هند و دانش‌آموخته ایرانی‌تبار در دانشگاه‌های «عثمانیه» حیدرآباد و «ویسکانس» آمریکا است (قرایی، ۱۳۸۳: ۲۰۱/۵). وی که سال‌ها است در ایران اقامت گزیده، به مدت ۱۴ سال (از ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۶) سردبیری مجله انگلیسی زبان/التوحید را برعهده داشته و از آن پس تا کنون به عنوان مشاور با مرکز ترجمه قرآن در قم، همکاری نزدیک دارد (خرمشاهی، ۱۳۸۲: ۱۴/۶۶-۶۵). ترجمه قرآن وی در سال ۲۰۰۴ در قم به چاپ رسید.

1. Arthur John Arberry  
2. Mohammad Shaker

این پژوهش با مقایسه ترجمه این سه مترجم از آیات منتخب سوره رعد از لحاظ واژگانی و ساختاری به بیان کاستی‌های موجود و ارائه ترجمه برتر می‌پردازد و رویکرد کلی این سه مترجم را در ترجمه‌شان، برجسته می‌نماید.

روش کار به این صورت است که در هر بخش، پس از طرح آیه و ترجمه‌ها، ابتدا معادل‌های واژگانی و سپس ساختار گرامری ترجمه‌ها در جداولی تطبیق گردیده و برای سهولت در جمع‌بندی، زیر معادل‌های درست خط تیره کشیده شده است. سپس به صورت تشریحی علت ترجیح ترجمه‌ای بر دیگر ترجمه‌ها توضیح داده شده است. برای این منظور از کتب لغت عربی و انگلیسی (مانند *المفردات فی غریب القرآن* و *Longman American Dictionary*)، تفاسیر (مانند *مجمع البیان و المیزان*) و کتب قواعد عربی و انگلیسی (مانند *الجدول فی اعراب القرآن* و *A Practical English Grammar*) استفاده شده است. ضمناً برای جلوگیری از اطناب، از ذکر تفاوت‌هایی که اختلاف بارزی در معنا ایجاد نمی‌کنند خودداری گردیده (برای مثال در آیه دوم، برای واژه «سَخَّرَ» سه معادل متفاوت ارائه شده است؛ که گرچه معادل‌یابی قرایی از همه دقیق‌تر است اما از آنجایی که هر سه معادل، قابل قبول بوده و معنا را می‌رسانند؛ از بررسی این واژه صرف‌نظر شده است). سپس در پایان هر آیه، در بخش جمع‌بندی، نقاط چشم‌گیر ترجمه‌ها برجسته گردیده است.

در زمینه تطبیق ترجمه‌های انگلیسی آثاری در گذشته تألیف شده است که از آن جمله می‌توان به دو پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد، از دانشگاه آزاد

ساری در رابطه با سوره‌های نور و اعراف اشاره کرد<sup>۳</sup>؛ همچنین چندین مقاله خارجی و داخلی در این زمینه به چاپ رسیده که برخی تمرکز را بر سوره یا بخشی از سوره‌ای خاص قرار داده‌اند<sup>۴</sup>، برخی دیگر، روش مترجم یا مترجمان را به طور کلی بازگو کرده‌اند<sup>۵</sup> و برخی دیگر لغزشگاه‌ها را عنوان کرده و ذیل هر یک مصادیقی از ترجمه‌های مترجمان مختلف را از سوره‌ای خاص و یا از قسمت‌های مختلف قرآن ارائه کرده‌اند<sup>۶</sup>. اما در زمینه سوره رعد، تاکنون هیچ کار تحقیقاتی صورت نگرفته، ضمن این که پژوهش حاضر، چندین تفاوت عمده با پژوهش‌های قبلی دارد؛ و آن اینکه اولاً این پژوهش در پی کشف رویکرد کلی مترجمان در ترجمه قرآن است؛ حال آن که در پژوهش‌های پیشین تنها به تذکر ایرادات و احیاناً اصلاح آنها بسنده شده است؛ بدون این که به مبنای این اشکالات، که همانا

۳. پایان‌نامه الهام سیدالنگی، با عنوان: «مطالعه تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی سوره نور (پیکتال، آربری، شاکر، صفارزاده، یوسف‌علی)» و پایان‌نامه سیده‌ام‌البین تائبی، با عنوان: «بررسی تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی سوره اعراف با تأکید بر ترجمه‌های انگلیسی شاکر، آربری، صفارزاده».

۴. مانند مقاله «نقد و ارزیابی ترجمه‌های انگلیسی سوره انسان» نوشته محمود واعظی، در نشریه پژوهش دینی، بهار و تابستان ۱۳۸۸، شماره ۱۸.

۵. مانند مقاله «عبدالله یوسف علی و محمد اسد؛ دو رویکرد به ترجمه انگلیسی قرآن»، نوشته مظفر اقبال، ترجمه محمدحسن محمدی مظفر، در نشریه ترجمان وحی، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۲۰.

۶. مانند مقاله «بررسی و مقایسه ترجمه فارسی و انگلیسی قرآن کریم از طاهره صفارزاده»، نوشته شاهرخ محمدیگی و سمیه رضایی، در نشریه پژوهشنامه قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۰.

رویکرد مترجم است توجهی شود؛ ثانیاً این پژوهش، ترجمه‌ها را در دو سطح تعادل واژگانی و دستوری بررسی می‌نماید؛ در حالی که قریب به اتفاق پژوهش‌های قبلی (به‌ویژه پایان‌نامه‌ها)، تنها تعادل واژگانی را مد نظر قرار داده‌اند و ثالثاً این پژوهش، به بررسی یکی از ترجمه‌های جدید قرآن (چاپ ۲۰۰۴) توسط استاد قرایی، در کنار ترجمه‌های قدیمی‌تر می‌پردازد؛ ترجمه‌ای که تاکنون کار تحقیقاتی خاصی روی آن انجام نشده است. اما قبل از تطبیق ترجمه‌ها، لازم است در بخشی مجزا، انواع ترجمه معرفی گردد:

#### ۱. انواع ترجمه

نگرش‌های مختلف انواعی از ترجمه را برای هر متن می‌نمایاند؛ در این بخش نگرش دو زبان‌شناس معروف، کت فورد<sup>۷</sup> (۱۹۶۵) و نیومارک<sup>۸</sup> (۱۹۸۱) بررسی می‌گردد:

#### انواع ترجمه از دیدگاه کت فورد

کت فورد ترجمه را جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ به وسیله عناصر متنی زبان مقصد می‌داند و آن را به سه نوع «ترجمه کامل در مقابل ترجمه ناقص»، «ترجمه کلی در مقابل ترجمه محدود» و «ترجمه آزاد در مقابل ترجمه وابسته» تقسیم می‌کند (لطفی پورساعدی، ۱۳۷۴: ۷۰). که با توجه به متداول بودن تقسیم بندی آخر، در ادامه شرح مختصری از آن ارائه می‌گردد:

ترجمه آزاد در مقابل ترجمه وابسته: معیاری که کت فورد برای این تقسیم‌بندی برگزیده «مرتب» واحد ساختمانی زبان می‌باشد؛ که آن را از دستور سیستمیک

هالیدی گرفته است. در این دستور مراتب معینی برای واحدهای ساختمان زبان در نظر گرفته شده است؛ که عبارت‌اند از: متن، جمله غیرساده، جمله ساده، عبارت و کلمه. که واحدهای هر مرتبه از عناصر، مرتبه مادون خود تشکیل می‌شود. حال اگر فرایند جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ با توجه به کل محتوا و پیام و بدون در نظر گرفتن مراتب واحدهای ساختمانی زبان مبدأ انجام گیرد، ترجمه آزاد نامیده می‌شود. ولی اگر مترجم سعی کند مراتب مختلف زبان مبدأ را بدون تغییر به زبان مقصد منتقل کند، ترجمه وابسته نامیده می‌شود. اصطلاحات متداولی از قبیل «ترجمه آزاد»<sup>۹</sup>، «ترجمه تحت‌اللفظی»<sup>۱۰</sup> و «ترجمه لفظ به لفظ»<sup>۱۱</sup>، تا حدودی با تقسیم‌بندی مذکور رابطه دارد. به این ترتیب که ترجمه لفظ به لفظ همان ترجمه وابسته در مرتبه کلمه است، ترجمه آزاد ترجمه‌ای است غیروابسته که در انتخاب معادل هیچ‌گونه محدودیت مرتبه‌ای برای آن وجود ندارد و ترجمه تحت‌اللفظی که حد واسط این دو نوع ترجمه است و در آن ترجمه کلمه به کلمه با تغییرات مختصری بر حسب دستور زبان مقصد اجرا می‌گردد؛ مثال: برای ترجمه متن فارسی «خداحافظ» به انگلیسی، سه نوع معادل می‌توان داد: الف) ترجمه لفظ به لفظ: God protector (ب) ترجمه تحت‌اللفظی: God protect you (ج) ترجمه آزاد Good bye (همان: ۷۲).

#### انواع ترجمه از دیدگاه نیومارک

نیومارک ترجمه را با توجه به نوع متن و این که هدف ترجمه، وفاداری به نویسنده اصلی است یا خواننده، به

9. free translation

10. literal translation

11. word-for-word translation

7. Catford

8. Newark

«واژگان» و «ساختار»<sup>۱۴</sup> است (همان: ۸۰ و ۹۵)، این بخش، ترجمه انگلیسی سه آیه منتخب از سوره رعد را از آربری، شاکر و قرایی در کنار هم و براساس جگونگی معادل‌یابی واژگانی و ساختاری، مقایسه می‌نماید. برای این منظور، سعی شده آیاتی گزینش شود که ابعاد مختلف ترجمه‌ها را هر چه آشکارتر به نمایش می‌گذارد.

#### طرح آیه دوم و ترجمه‌ها

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَىٰ الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (۲).

آربری:

God is He who raised up the heavens without pillars you can see then He sat Himself upon the Throne He subjected the sun and the moon each one running to a term stated He directs the affair; He distinguishes the signs; haply you will have faith in the encounter with your Lord.

شاکر:

Allah is He Who raise the heavens without any pillars that you see And He is firm in power And He made the sun and the moon subservient (to you) Each one pursues its course to an appointed time He regulates the affair, making clear the signs that you may be certain of meeting your Lord.

قرایی:

It is Allah who raised the heavens without any pillars that you see, and then presided over the Throne. He disposed the sun and the moon, each moving for a specified term. He directs the command, [and] elaborates the signs that you may be certain of encountering your Lord.

۱۴. ساختار تنها منحصر به روابط بین واژه‌ها نیست بلکه یک خصیصه جامع زبان است که در تمام سطوح، بر زبان حاکم است. ولی در این نوشتار، مراد ما از ساختار، تنها منحصر است به روابط بین کلمات در درون سازه‌های درون‌جمله‌ای، روابطی که معمولاً تحت عنوان «نحو» یا «گرامر» مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

دو نوع «ترجمه معنایی»<sup>۱۲</sup> و «ترجمه ارتباطی (پیامی)»<sup>۱۳</sup> تقسیم کرد و خاطر نشان ساخت که ویژگی برخی متون اقتضا می‌کند، بخشی از متن به صورت معنایی و بخش دیگر به صورت ارتباطی ترجمه شود.

#### ترجمه معنایی و ترجمه ارتباطی (پیامی)

ترجمه معنایی به متن وفادار است و ویژگی‌های ترجمه تحت‌اللفظی را دارد و به زبان مبدأ متمایل است و ترجمه ارتباطی به خواننده توجه دارد و از زبانی روان و طبیعی برخوردار بوده، متمایل به زبان مقصد است (ناظمیان، ۱۳۸۶: ۲۴). ترجمه پیامی می‌کوشد تا بر خوانندگان تأثیری هر چه بیشتر مشابه با تأثیر وارده بر خوانندگان متن اصلی بگذارد. ترجمه معنایی سعی می‌کند تا آنجایی که ساختارهای معنایی و نحوی زبان مقصد اجازه می‌دهد، عین معنای بافتی متن اصلی را ارائه کند. به طور کلی، ترجمه پیامی احتمالاً آسان‌تر، ساده‌تر، روشن‌تر، مستقیم‌تر و قراردادی‌تر است و با سیاق ویژه زبان مطابقت دارد و ترجمه معنایی تا حدودی پیچیده‌تر، ناهموارتر و دقیق‌تر است (نیومارک، ۱۹۸۱: ۳۹ به نقل از لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۴: ۷۴).

#### ۲. ارزیابی تطبیقی

با توجه به این که اصولاً «جایگزینی کامل یک متن در زبان، توسط متنی از زبان دیگر از دیدگاه نظری غیرممکن است» (سلطانا، ۱۹۸۴: ۷ به نقل از همان: ۸۸)، لذا ملاک برتری ترجمه‌ها، برقراری بیشترین «تعادل» بین دو متن است و از آنجایی که از مهم‌ترین اجزاء برقراری «تعادل ترجمه‌ای» بین دو متن،

12. semantic translation

13. communicative translation

جدول ۱. تطبیق واژگانی ترجمه‌های آیه دوم

مترجمان واژگان	آربری	شاکر	قرایی
اِسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ	He sat himself upon the throne	He is firm in power	<u>presided over the throne</u>
يَجْرِي	<u>running</u>	pursues its course	<u>moving</u>
يُدَبِّرُ	directs	<u>regulates</u>	directs
الأمر	<u>the affair</u>	<u>the affair</u>	the command
يُفَصِّلُ	distinguishes	<u>making clear</u>	<u>elaborates</u>
تَوْفِينِ	you will have faith	<u>you may be certain</u>	<u>you may be certain</u>

حرف «علی» متعدی شود، در معنی استیلاء و اقتدار است. یعنی مستولی شد» (راغب، ۱۴۱۲: ۴۳۹) و می‌گوید: «مراد از عرش الهی را گروهی همان فلک اعلی و مراد از کرسی را، فلک ستارگان می‌دانند. و در این زمینه به روایتی از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استناد می‌کنند که فرمود: آسمان‌ها و زمین در کنار کرسی خداوند مانند حلقه‌ای هستند که در صحرایی وسیع افتاده است. کرسی هم در برابر عرش این‌چنین است» (همان: ۵۵۸).

آربری، در ترجمه‌ای تحت‌اللفظی (خداوند بر بالای تخت شاهی نشست) و بدون دریافت مفهوم استعاری آیه، مطابق دیدگاه مسیحیت (تورات، سفر پیدایش، باب ۳۱/۳۲-۲۴؛ همان، ۸-۹/۳؛ انجیل یوحنا، باب ۲۸/۲۰) برای خداوند جسم قائل شده، تختی در نظر گرفته و فعل بشری «sit» را به وی نسبت داده است<sup>۱۵</sup>. در دیگر سوی، شاکر با نادیده گرفتن ظاهر الفاظ، در ترجمه‌ای کاملاً آزاد، به بیان برداشت نهایی خود از این استعاره قرآنی پرداخته، آن را «استواری خداوند در قدرت» معنا کرده است. اما قرایی، سعی کرده تا حد ممکن به متن مبدأ پایبند باشد و تنها تفاوتی که در ترجمه‌اش نسبت به ترجمه آربری وجود دارد، استفاده از فعلی مناسب شأن الهی (preside over) به معنی «کرسی ریاست را اشغال کردن، سرپرستی را به عهده گرفتن» (Summers, 2003: ۱۵). آربری در ترجمه دیگر آیات متشابه قرآن نیز از رویکردی معنایی تبعیت کرده است؛ برای مثال او در آیه ۲۲ سوره رعد نیز عبارت «وَجْهَ رَبِّ» را به Face of Lord (صورت خدا) برگردانده است؛ حال آنکه می‌بایست آن را به the pleasure of Lord (خشنودی خدا) برمی‌گرداند.

اِسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ: این عبارت از متشابهات قرآن می‌باشد که برای یافتن معنای آن باید آن را به محکماتی چون «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری/ ۱۱) ارجاع دهیم و نباید بر مبنای ظاهر الفاظ حکم کنیم، چرا که بر طبق نظر عدلیه (شیعه و معتزله) خداوند دارای جسم نیست تا بتوان افعال بشری همچون ایستادن، نشستن و مانند آن را به او نسبت داد (حلی، بی‌تا: ۳۰۱). علامه طباطبایی می‌فرماید: «استواء» به معنای تسلط و استقرار بر چیزی است و «عرش» به معنای تختی است که پادشاه بر آن می‌نشیند و کنایه از مقام سلطنت می‌باشد» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۴۸/۸). بنابراین عرش استعاره‌ای است از کل جهان هستی، و «اِسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» یعنی در دست گرفتن فرمانروایی کل جهان هستی. راغب نیز می‌گوید: «هرگاه اِسْتَوَى با

۲۸۹) و «معنی تدبیر نسبت به خداوند متعال، عبارت است از تنظیم و ترتیب امور عالم و قرار دادن امور بر زیباترین نظام و استوارترین ساخت» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۹۴/۳).

با توجه به معانی ذکر شده، معادل «regulate» به معنی «تنظیم کردن، اداره کردن» در ترجمه شاکر، مناسب‌تر از معادل «direct» به معنی «هدایت کردن، نظارت کردن، اداره کردن» در ترجمه آربری و قرایی می‌باشد.

الأمرُ: قرشی می‌گوید: «أمر دو معنی دارد یکی کار و چیز، که جمع آن امور است، مثل: «و شاورهم فی الأمر» (آل عمران/۱۵۹) و «إلی الله ترجع الأمور» (بقره/۲۱۰)؛ دیگری: دستور و فرمان، «الامر ضد النهی»؛ مثل: «قل أمر ربی بالقسط» (اعراف/۲۹)؛ که أمر به معنای اول اسم مصدر، و به معنای دوم، مصدر و اسم مصدر است» (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۰۹/۱). علامه در توضیح «یُدبِرُ الأمر» می‌فرماید: «وقتی می‌گویند: «دبّر أمر البیت»، معنایش این است که امور خانه و تصرفاتی را که مربوط به آن است منظم نمود» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۹۰/۱۱). پس در اینجا مراد از «أمر» معنای اول آن است.

بنابراین معادل «the affair» (امور) در ترجمه آربری و شاکر، مناسب‌تر از معادل «the command» (دستورات) در ترجمه قرایی است.

یُفَصِّلُ: «تفصیل یعنی متمایز کردن و تفصیل کلام، روشن کردن آن است، بر خلاف اجمال» (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۸۰/۵؛ موسی، ۱۴۱۰: ۳۷۹/۱) و نیز «تفصیل کلام یعنی به تفصیل و درازا سخن گفتن» (بستانی، ۱۳۷۵: ۶۶۵). «یُفَصِّلُ الآیات» یعنی «آیات را به

(under preside)، به جای «sit» است؛ که با توجه به معنای «استوی علی» در بیان راغب، ترجمه قرایی مناسب‌تر از دو ترجمه دیگر است؛ چرا که ترجمه وی در عین پابندی به متن مبدأ، موجب گمراهی خواننده نمی‌شود.

یَجْرِي: «جری یعنی عبور سریع، و اصل آن در مورد آب است و برای هر چیزی که مانند آب سیار بوده و جریان دارد به کار می‌رود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۹۴)، لذا می‌گویند: «جری الماء، جری النجم، جرت العين، جرت السفینه، جرت الشمس، جرت الريح» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۹۱/۲). طبرسی می‌گوید: «كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلِ مُسَمًّى» یعنی هر یک از آنها، تا وقتی معین، در حرکت خواهند بود» (۱۳۷۲: ۴۲۱/۶).

معادل‌های ارائه شده، «یَجْرِي» را به ترتیب به: «running» به معنای «در جریان بودن»؛ «pursue ones course» به معنای «مدار خود را دنبال کردن»؛ و «moving» به معنای «در حرکت بودن» برگردانده‌اند. لذا به نظر می‌رسد آربری و قرایی با گرایش به گزیده گویی متن مبدأ، ترجمه‌ای ارائه کرده‌اند که از نظر معنا نیز با متن اصلی هم‌پوشانی می‌کند. اما ترجمه تفسیری شاکر فراتر از معنای متن اصلی رفته و کلماتی را بدون وجود معادلی در متن مبدأ به متن مقصد افزوده است.

یُدبِرُ: «تدبیر در نظر گرفتن عواقب امور است» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۳/۸) و نیز «به معنای این است که چیزی را دنبال چیزی بیاوری، و مقصود از آن این است که که اشیاء متعدد و مختلف را طوری تنظیم شود و ترتیب داده شود که هر کدام در جای خاص خود قرار بگیرد، به طوری که به محض تنظیم، غرض مورد نظر از هر کدام آنها حاصل گردد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۹۰/۱۱-)

(Ibid: under faith1) است که اخصّ از معنای «یقین» می‌باشد.

جدول ۲. تطبیق ساختاری ترجمه‌های آیه دوم

قرایی	شاکر	آربری	مترجمان ساختار
<u>raised</u> (ماضی)	raise (مضارع)	<u>raised</u> <u>up</u> (ماضی)	رَفَعَ (ماضی)

رَفَعَ: «رَفَعَ» فعل ماضی است؛ به معنای «برافراشت، بالا برد». اما شاکر در ترجمه‌ای مقصدگرا، خود را مقید به ساختار ظاهری آیه نکرده و کل آیه را به زمان حال برگردانده و با این کار معنای قرآن را تغییر داده است؛ چرا که آیه اشاره دارد به عمل برافراشتن آسمان‌ها که در گذشته و هم‌زمان با خلقت آنها صورت گرفته است. ضمناً او به این نکته توجه نکرده که حتی در این صورت نیز باید فعل «raise» در جمله «... Allah is He Who raise the heavens» همراه با «s» سوم شخص و به صورت «raises» می‌آمد (Thomson, A. J. & Martinet, A. V., 1986: 159).

#### جمع‌بندی آیه دوم

گرچه در رعایت مبانی کلامی در ترجمه آیات متشابه قرآن دو دیدگاه وجود دارد و عده‌ای معتقد هستند به برطرف کردن مشکل آیات متشابه و ترجمه آن بر مبنای اصول مسلم دین اسلام و در غیر این صورت ترجمه را بدآموز می‌دانند (خرمشاهی، ۱۳۷۴: پیوست ۴ الف؛ نقی‌پور، ۱۳۷۲: ۲۰۳، ۲۱۸؛ جعفری، ۱۳۷۶: ۷۵؛ طالقانی، ۱۳۷۷: ۳۹ و ۴۷؛ کریمی، ۱۳۸۳: ۳۶ به

تفصیل و به دنبال یکدیگر، برای مردم بیان می‌کند، تا بهتر بتوانند در باره آنها بیندیشند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۲۱/۶).

بنابراین معادل‌های «making clear» و «elaborate» در ترجمه شاکر و قرایی، که به ترتیب به معنی «روشن کردن» و «با جزئیات شرح دادن» است، مناسب‌تر از معادل «distinguish» به معنی «تمیز دادن» و «جدا کردن» در ترجمه آربری است. چرا که آربری تنها با در نظر گرفتن سه حرف اصلی (فصل) اقدام به ترجمه کرده و به ورود (فَصَلَ) به باب تفعیل و معنای ثانویه واژه دقت نکرده است. این در حالی است که مترجم باید علاوه بر تسلط به زبان مقصد و در نظر گرفتن سیاق متن مبدأ، در کتب مختلف لغت و معانی اولیه و ثانویه واژه غور کند و تنها براساس درک ابتدایی خود و یا معنای اولیه کلمه عمل نکند. چرا که از نظر متخصصین «علت اصلی پیدایش ترجمه تحت‌اللفظی عبارت است از انتخاب اولین و رایج‌ترین معنی کلمه، که مترجم در فرهنگ لغت یافته و یا در ابتدایی‌ترین مراحل آموزش زبان فرا گرفته است» (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۳۷).

تَوْقُنُونَ: مصطفوی می‌گوید: «یقین علم استوار و مطمئن است» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۵۲/۱۴) و «لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تَوْقُنُونَ» یعنی: «تا شما مطمئن شوید به آمدن روز قیامت و زنده شدن مجدد» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۲۱/۶).

لذا ترجمه شاکر و قرایی مناسب‌تر از ترجمه آربری است، چرا که «certainty» به معنی «اطمینان کامل، یقین» (Summers, 2003: under certainty) است. اما کلمه «faith» به معنای «یقین استوار، ایمان»



نقل از رضایی اصفهانی، (۱۳۸۵: ۶۳) و عده‌ای دیگر قائل به حفظ اصل قرآن با همه چگونگی‌هایش در ترجمه‌اند؛ چرا که معتقدند خواننده باید از طریق ترجمه، نخست با اصل قرآن کریم ارتباط برقرار کند، نه با تفسیر و برداشت مترجم (کریمی نیا، ۱۳۷۶: ۸؛ سروش، ۱۳۷۲: ۳۶ به نقل از همان)؛ اما به نظر می‌رسد مترجم باید تنها در حد ضرورت و برای جلوگیری از سوء برداشت خواننده، مقصود باطنی قرآن را روشن کند و تا حد امکان تغییری در متن اصلی ایجاد نکند و این البته به هنر و توانایی مترجم وابسته است. چنان که ملاحظه گردید، در ترجمه «اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» از آیه دوم سوره رعد، معادل‌گزینی معنایی آربری گمراه‌کننده است، برگردان شاکر نیز به جای اصل قرآن کریم، تفسیر و برداشت وی را بیان می‌کند. اما قرایی سعی نموده تا حد ممکن با نزدیک‌ترین الفاظ به متن مبدأ، آیه را به همان شکل استعاری، اما قابل درک برای خواننده انگلیسی زبان، منتقل کند.

طرح آیه چهارم و ترجمه‌ها

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتجاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زُرْعٌ وَ نَخِيلٌ صِنُونٌ وَ غَيْرُ صِنُونٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَفْضٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۴).

آربری:

And on the earth are tracts neighbouring each to each (yet different), and gardens of vines, and fields sown, and palms in pairs, and palms single, watered with one water; and some of them We prefer in produce above others Surely in that are signs for a people who understand.

شاکر:

And in the earth there are tracts side by side (yet different) and gardens of grapes and corn and palm trees having one root and (others) having distinct roots they are watered with one water, and We make some of them excel others in fruit Most surely there are signs in this for a people who understand.

قرایی:

In the earth are neighbouring terrains [of diverse kinds] and vineyards, farms, and date palms growing from the same root and from diverse roots, [all] irrigated by the same water, and We give some of them an advantage over others in flavour. There are indeed signs in that for a people who apply reason.

جدول ۳. تطبیق واژگانی ترجمه‌های آیه چهارم

قرایی	شاکر	آربری	مترجمان واژگان
vineyards	gardens of grapes	<u>gardens of vines</u>	جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ
<u>farms</u>	corn	<u>fields sown</u>	زُرْعٌ
<u>growing from the same root and from diverse roots</u>	<u>having one root and (others) having distinct roots</u>	in pairs, and single	صِنُونٌ وَ غَيْرُ صِنُونٍ
<u>give an advantage</u>	<u>make .... excel</u>	prefer	نَفْضٌ
flavour	<u>fruit</u>	produce	الْأُكُلِ
apply reason	<u>understand</u>	<u>understand</u>	يَعْقِلُونَ

جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ: قرشی می‌گوید: «در این آیه چون اعناب در ردیف نخل و نخیل آمده، به قرینه آن دو، مراد، درخت انگور است. زیرا نخل و نخیل فقط به درخت خرما اطلاق می‌شود نه به خرما؛ ولی در آیه

از انگورها و غلات و نخل‌ها...» and gardens of grapes and corn and palm trees و حال آن که این کلمات عطف به «قَطْعُ» و «جَنَاتُ» بوده؛ مبتدا و مرفوع هستند و خبر، «موجودُ» محذوف است (صافی، ۱۴۱۸: ۸۹/۱۳). پس ترجمه آیه چنین می‌شود: «و در زمین... باغ‌هایی از درختان انگور و مزارع و درختان خرما... وجود دارد».

درواقع اختلاف ترجمه شاکر، ریشه در اختلاف در قرائت‌های قرآن دارد. طبرسی می‌گوید: «زرع و نخیل و صنوان و غیر صنوان را ابن‌کثیر، یعقوب و حفص به رفع و دیگران به جرّ، قرائت کرده‌اند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۲۲/۶). اما باید دانست که «مبنای ترجمه قرآن، همان قرائت متواتر مسلمانان یعنی قرائت حفص از عاصم است و قرائت‌های دیگر خبر آحاد بوده، معتبر نیست و نمی‌تواند مبنا باشد» (خویی، بی‌تا: ۱۴۹). بنابراین ترجمه شاکر قابل قبول نیست.

صِنَوَانٌ وَ عَیْرُ صِنَوَانٍ: راغب در مفردات می‌گوید: «کلمه «صنو» به معنای شاخه و جوانه‌ای است که از بیخ تنه درخت روییده باشد. مثلاً گفته می‌شود: «هما صنوا نخله» «این دو، دو شاخه از یک درخت خرما است که از ریشه آن جوانه زده»، و «فلان صنو ابیه» «فلانی شاخه و جوانه پدر خویش است» و تشبیه صنو، صنوان است» (راغب، ۱۴۱۲: ۴۹۴). علامه می‌فرماید: «صنوان یعنی جوانه‌زده از یک ریشه مشترک و غیرصنوان یعنی از ریشه‌های جدا» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۹۳/۱۱).

لذا، برگردان‌های شاکر و قرایی که به ترتیب به معنی «دارای یک ریشه» و «برخی دیگر» دارای ریشه‌های مجزا» و «رشد یافته از یک ریشه مشترک و

«فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا. وَ عِنْبًا وَ قَضْبًا» (عبس/ ۲۸-۲۷) ظهور واژه عِنَب، در انگور است» (قرشی، ۱۳۷۱: ۵۵/۵).

با توجه به این مطلب، معادل‌گزینی آربری که عبارت است از: «gardens of vines» (باغ‌هایی از درختان انگور)، دقیق‌تر از معادل «gardens of grapes» (باغ‌هایی از انگور) در ترجمه شاکر است؛ چرا که «vine» به معنای «تاک، درخت انگور» است اما «grape» به معنای «انگور» است. و اما واژه «vineyards» در ترجمه قرایی به معنی «زمینی که در آن تاک می‌کارند جهت تولید شراب» (Hornby, 1989: under vineyard) تناسبی با آیات کتاب الهی ندارد.

زَرْعٌ: «زَرْعٌ» به معنای افکندن بذر در زمین» (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۵۸۲/۴)، «در اصل مصدری است که گاهی از آن به مَزْرُوع (اسم مفعول) تعبیر می‌شود؛ مانند آیات «فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا» (سجده/ ۲۷) و «وَ زَرْعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ» (دخان/ ۲۶) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷۹).

بنابراین ترجمه تحت‌اللفظی اما موزون آربری به معنای «زمین کشت‌شده» (fields sown) و معادل‌یابی امروزین و سلیس قرایی به معنی «کشت زار، مزرعه» (farms) از لحاظ معنایی، قابل قبول‌اند. اما در مورد معادل‌یابی عجیب شاکر که «زَرْعٌ» را به «corn» (دانه، غلات) برگردانده، باید گفت که علت این برداشت ناصحیح، به اشتباه نحوی مترجم برمی‌گردد؛ چرا که شاکر در عبارت «جَنَاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زَرْعٌ وَ نَخِيلٌ»، «زَرْعٌ» و «نَخِيلٌ» را عطف به «أَعْنَابٍ» و مجرور تلقی کرده و عبارت را چنین ترجمه کرده است: «و باغ‌هایی

others به خوبی معنای «ایجاد برتری» را رسانده‌اند. اما آربری تنها براساس سه حرف اصلی فعل و بدون در نظر گرفتن تطورات معنوی افعال عربی در باب‌های مختلف، و بدون تتبع در کتب لغت و تفاسیر موثق، واژه «prefer»، به معنای «ترجیح دادن چیزی بر دیگری» را برگزیده و با این کار، فعلی بشری (خوردن و ترجیح میوه‌ای بر میوه دیگر) را به خداوند سبحان نسبت داده و موجب انحراف معنای قرآن شده است.

أَلْأَكُلُ: «أَكُلُ الشَّجَرَةَ» یعنی میوه درخت، چنان که خداوند متعال می‌فرماید: تُؤْتِي أُلْهَا كُلَّ حَبِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۱۲۴). در تفسیر المیزان نیز آمده: «اکل» به معنای چیز خوردنی است» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۲۹۳) که در مورد درخت، آن چیز خوردنی همان میوه آن است. بنابراین ترجمه شاکر (fruit) برگردان دقیقی برای «أَكُلُ» است. اما تعبیر «produce» (محصول) و «flavour» (مزه، طعم) در ترجمه آربری و قرایی، به ترتیب کلی‌تر و جزئی‌تر از مفهوم «میوه» هستند؛ لذا تعادل معنایی را با متن مبدأ برقرار نمی‌کنند.

يَعْقِلُونَ: ابن فارس می‌گوید: «کاربرد عَقْلٍ يَعْقِلُ عَقْلًا هنگامی است که انسان چیزی را که قبلاً نمی‌دانسته، بفهمد...» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴/۶۹). بنابراین معادل آسان‌یاب و روان «understand» در ترجمه آربری و شاکر به معنای «فهمیدن، دریافتن» مناسب‌تر است تا معادل ناآشنا و ناهموار apply reason در ترجمه قرایی، به معنای «به کار بستن خرد»، که در زبان انگلیسی کاربردی ندارد و به نظر می‌رسد از ابداعات مترجم است.

از ریشه‌های مختلف» می‌باشند، تطابق بیشتری با متن مبدأ دارند تا ترجمه ادبی، موجز اما مبهم «نخل‌های دوتایی و نخل‌های تکی» آربری. چرا که آربری با تأکید بیش از حد بر ایجاد و زبان ادبی متن اصلی، ویژگی‌ها و بار معنایی واژه را به خواننده نمی‌رساند و با حذف لایه‌هایی از معنا، تاثیری معادل با متن مبدأ بر او نمی‌گذارد بلکه موجب ایجاد ابهام در ضمیر خواننده می‌شود. در مقابل شاکر و به‌ویژه قرایی (با دقتی فراتر)، با بیان مقصود متن اصلی، متنی روان و قابل فهم برای خواننده انگلیسی‌زبان فراهم می‌آورند.

نُفَضِّلُ: جوهری می‌گوید: «فَضَّلْتُهُ عَلَيَّ غَيْرَةَ تَفْضِيلًا، إِذَا حَكَمْتَ لَهُ بِذَلِكَ، أَيْ صَيَّرْتَهُ كَذَلِكَ» (جوهری، ۱۳۷۶: ۵/۱۷۹۱) یعنی حکم به برتری چیزی بر چیز دیگر کردن یا ایجاد برتری در چیزی نسبت به دیگری<sup>۱۶</sup>، این معنا در سخن علامه نیز هویدا است؛ آنجا که می‌فرماید: «خداوند با ضمیر متکلم مع‌الغیر فرموده «ما برتری دادیم بعضی را بر بعضی در اکل» بعید نیست نکته‌اش این باشد که سبب حقیقی را معرفی کند، گویا کسی گفته است بعضی از آنها نسبت به بعضی دیگر برتری دارند، اما خداوند می‌فرماید سبب این برتری جز خدای سبحان کسی نیست» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۱/۲۹۳).

شاکر و قرایی با موشکافی و دقت در معنی واژه عربی، با معادل‌های make some of them excel و others give some of them an advantage over

۱۶. توجه شود برتری بخشیدن و ترجیح دادن دو مفهوم متفاوت

تطبیق ساختاری ترجمه‌های آیه چهارم:

آربری:

Say: Who is the Lord of the heavens and of the earth? Say: God Say: Then have you taken unto you others beside Him to be your protectors, even such as have no power to profit or hurt themselves? Say: Are the blind and the seeing man equal, or are the shadows and the light equal? Or have they ascribed to God associates who created as He created, so that creation is all alike to them? Say: God is the Creator of everything, and He is the One, the Omnipotent

شاکر:

Say: Who is the Lord of the heavens and the earth? Say: Allah Say: Do you take then besides Him guardians who do not control any profit or harm for themselves? Say: Are the blind and the seeing alike? Or can the darkness and the light be equal? Or have they set up with Allah associates who have created creation like His, so that what is created became confused to them? Say: Allah is the Creator of all things, and He is the One, the Supreme.

قرایی:

Say, " Who is the Lord of the heavens and the earth?" Say, " Allah!" Say, " Have you then taken others besides Him for guardians, who have no control over their own benefit or harm?" Say, " Are the blind one and the seer equal? Or are the darkness and the light equal?" Have they set up for Allah partners who have created like His creation, so that the creations seemed confusable to them? Say, " Allah is the creator of all things, and He is the One, the All-paramount.

در ترجمه‌های انگلیسی این آیه مشکل گرامری خاصی دیده نشد.

جمع‌بندی آیه چهارم

از میان مترجمان قرآن به انگلیسی، آربری به خاطر اهمیتی که نسبت به سبک قرآن قائل است، نقشی بی‌بدیل و ستودنی دارد. چرا که این عنصر یکی از مولفه‌های اساسی تقلیدناپذیری قرآن است. او در ترجمه‌اش نکاتی را رعایت کرده که مترجمان بعدی به راحتی از کنار آن گذشته‌اند؛ او فضایی را ایجاد کرده که موجب می‌شود ترجمه انگلیسی مانند خود قرآن، تا حدودی موزون و آهنگین بنماید و از همین رو است که بلاطه و دیگران درباره ترجمه وی گفته‌اند: آربری به ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و بلاغی قرآن توجه یکسان نشان داده است (لارنس، ۱۳۸۷: ۵۸). در آیه چهارم سوره رعد، خصوصاً در ترجمه ابتدای آیه تا «یُسْتَفَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ» این طنین آهنگین به گوش می‌رسد؛ که همراه با واج‌آرایی حرف «p» در کلمات «palms, pairs, prefer, produce, people» به اوج خود می‌رسد. اما چنان که مشاهده شد، توجه آربری به آرایه‌های ادبی او را از انتقال پیام آیه باز داشته است و موجب ایجاد ابهام یا انحراف در معنای آیه شده است.

جدول ۴. تطبیق واژگانی ترجمه‌های آیه شانزدهم

قرایی	شاکر	آربری	مترجمان واژگان
<u>the darkness</u>	<u>the darkness</u>	the shadows	الظُّلُمَاتُ
set up	set up	<u>ascribed</u>	جَعَلُوا
<u>seemed confusable</u>	<u>became confused</u>	Is all alike	تَشَابَهُ
<u>All-paramount</u>	Supreme	Omnipotent	الْقَهَّارُ

طرح آیه شانزدهم و ترجمه‌ها

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۱۶).

الظُّلُمَاتُ: راغب می‌گوید: «الظُّلْمَةُ: عدمُ النُّورِ، و جمعها: ظُلُمَاتٌ» (راغب، ۱۴۱۲: ۵۳۷). بنابراین معنای ظلمت «تاریکی» است (نه سایه‌ها!).

در نتیجه ترجمه شاکر و قرایی دارای هم‌پوشانی با متن اصلی است. اما تلاش آربری در آفریدن جمله‌هایی با بار ادبی، سبب شده او تعادل معنایی دو متن را نادیده گرفته، برگردانی نابرابر ارائه دهد.

جَعَلُوا: مصطفوی می‌گوید: «معنای اصلی این ماده همان تقدیرکردن و تدبیرکردن است که عبارت است از قرار دادن شیء بر حالتی بعد از خلق و تکوین. و دیگر معانی که برای آن ذکر شده از قبیل: خلق کردن، ساختن، نام‌گذاری کردن، گردانیدن و اعطاکردن، تفسیری به مناسبت ورود آن است» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۰۵/۲).

به نظر می‌رسد این آیه به ساختن بت‌ها اشاره ندارد، بلکه ناظر به شریک قرار دادن آنها با خدا است؛ چرا که در تفسیر آمده: «أَمْ جَعَلُوا استغفامی انکاری است: أَمْ جَعَلُوا» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۲۳/۲). «زیرا مشرکین خود اعتراف داشتند به این که خالق یکی است و الله است (توحید الوهیت)<sup>۱۷</sup> و مشکل آنان در قبول یکی‌بودن ربّ بود (توحید ربوبیت)» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۳۲۵-۳۲۴). درواقع آنها گمان می‌کردند الله تنها عالم را خلق کرده و سپس تدبیر امور به ربّها سپرده شده است.

«ascribed to» در ترجمه آربری به معنای

«نسبت دادن به» می‌باشد که به خوبی معنای «جعل شریک برای خدا» را می‌رساند. اما شاکر و قرایی برای «جعل شریک» از لفظ «set up» به معنای «ساختن، برپا کردن» استفاده کرده‌اند. لذا ترجمه آربری در برقراری تعادل ترجمه‌ای بین دو متن موفق تر است.

تَشَابَهَ: راغب می‌گوید: «الشَّبَهُ و الشَّبَهُ و الشَّبِيه: همسانی و مشابهت از جهت کیفیت است و الشُّبُهَة: آن است که چیزی از دیگری که میانشان همسانی و شباهت است، تمیز داده نشود» (راغب، ۱۴۱۲: ۴۴۳). این‌منظور می‌گوید: «تَشَابَهَ الشَّيْئَانِ یعنی اشتبها» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۳/۵۰۳). در تفسیر نیز آمده: «فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ» یعنی امر بر آنها مشتبه شده و ندانسته‌اند که چه چیز مخلوق خداوند و چه چیز مخلوق بت‌ها است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۳۹/۶).

بنابراین ترجمه شاکر و قرایی که به ترتیب عبارت‌اند از: «became confused» و «seemed confusable» کاملاً این معنا را منتقل می‌کند. اما آربری بدون جستجو در کتب لغت، براساس ظاهر حکم کرده و تشابه را به معنی «be alike» (مشابه بودن) گرفته است.

الْقَهَّارُ: الْقَهْرُ: کلمه صحیحه تدلُّ علی غلبه و غُلُوٌّ» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۵/۳۵).

معادل‌های انگلیسی ارائه شده توسط آربری، شاکر و قرایی به ترتیب عبارت‌اند از: «Omnipotent» به معنی «قادر مطلق، قادر متعال»، «Supreme» به معنی «عالی، اعلی، بزرگترین» و «Paramount» به معنی «فائق، حاکم، عالی مقام، برتر، برترین»

بنابراین، معادل‌گزینی قرایی مناسب‌تر از بقیه است چرا که هم‌زمان دو مؤلفه چیرگی و تفوق را در بر

۱۷. همان‌طور که در قرآن تکرار شده: «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» (لقمان/۲۵، زمر/۳۸) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۳۲۵).

توجه به تقیید آربری به زمان بندی متن مبدأ به نظر می‌رسد وی «تَشَابَه» را مضارع از باب مفاعله تلقی کرده است؛ چرا که در انتخاب معنا هم آن را به معنی «یُشَابِه» (is alike) گرفته است؛ نه به معنی «تَشَابَه» (became confused). و به هر روی، این فهم نادرست او از زبان عربی، موجب تغییر معنا و پرش زمانی در ترجمه او گردیده است.

#### جمع‌بندی آیه شانزدهم

چنان که ملاحظه گردید در ترجمه آیه شانزدهم سوره رعد، از میان موارد اختلافی مطرح شده، آربری تنها در یک مورد (جعل شریک برای خداوند) ترجمه مناسب را ارائه کرده است. و در بقیه موارد یا به دلیل تبعیت از سبکی ادبی (در مورد الظُّلمات) و یا به سبب صورت‌گرایی مفرط و عدم مراجعه به کتب لغت (در مورد مفهوم تَشَابَه) و یا عدم آشنایی کامل با زبان عربی (در مورد ساختار تَشَابَه)، گرفتار برداشتی سطحی و ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و منحرف شده است.

در مقابل شاکر و قرایی به علت ارتباط با منابع موثق، توفیق بیشتری در درک و انتقال صحیح متن داشته‌اند؛ و می‌توان گفت قرایی نیز به دو دلیل در این آیه موفق‌تر از شاکر عمل کرده است: یکی به سبب استفاده از تجربیات گذشتگانی چون شاکر و آربری (در مورد القَهَّار) و دیگری به دلیل رویکرد مبدأ‌گرای وی (در مورد ساختار اِتَّخَذْتُمْ) که موجب حفظ امانت و برابری دو متن مبدأ و مقصد گردیده است.

#### بحث و نتیجه‌گیری

قربان ترجمه آربری به متن مبدأ و نیز سبک کهن و ادبی متفاوت وی، مولفه‌های ارزشمندی در ترجمه قرآن

می‌گیرد. به ویژه این که قرایی با آوردن لفظ «All» بر سر آن، به مطلق بودن این صفت در ذات باری تعالی اشاره کرده است. در حالی که در مورد معادل آربری باید گفت گرچه داشتن قدرت لازمه غلبه است ولی با آن برابر نیست و صفت «اعلی» در ترجمه شاکر نیز به بالاتر بودن خداوند در همه جهات اشاره دارد که یکی از این جهات می‌تواند در غلبه و چیرگی باشد. لذا این دو معادل به ترتیب جزئی‌تر و کلی‌تر از مفهوم کلمه اصلی بوده و تعادل ترجمه‌ای را برقرار نمی‌کنند.

#### جدول ۵. تطبیق ساختاری ترجمه‌های آیه شانزدهم

قرایی	شاکر	آربری	مترجمان ساختار
<u>have taken</u> (ماضی)	take (مضارع)	<u>have taken</u> (ماضی)	اِتَّخَذْتُمْ (ماضی)
<u>seemed confusable</u> (ماضی)	<u>became confused</u> (ماضی)	is alike (مضارع)	تَشَابَه (ماضی)

اِتَّخَذْتُمْ: ترجمه آربری و قرایی به دلیل مبدأ‌گرایی و پابندی به طرح‌بندی‌های متن اصلی، از نابرابری زمانی افعال دو متن مبدأ و مقصد در امان مانده است. حال آن که ترجمه شاکر با فاصله گرفتن از متن مبدأ، «اِتَّخَذْتُمْ» را که فعل ماضی از باب افتعال است به «take» مضارع برگردانده است. این در حالی است که وی افعال «جَعَلُوا» و «خَلَقُوا» را به ماضی برگردانده است. در واقع در ترجمه شاکر پرش زمانی رخ داده است.

تَشَابَه: «تَشَابَه» فعل ماضی ساده از باب تفاعل است. اما آربری آن را به مضارع برگردانده است. با

عبارت، خود را از افتادن به مهلکه ترجمه آزاد رهانده و از دیگر سو، با گرایش به سمت مخاطب و استفاده از نثری امروزی، روان و به دور از هرگونه تکلف، کوشیده متن مبدأ را در قالب الفاظ، اصطلاحات و ساخت‌های دستوری نزدیک‌تر به قلمرو زبان کاربردی روز در پیش روی مخاطب قرار دهد و در نتیجه خود را از خطر سقوط در وادی ترجمه تحت‌اللفظی نجات داده است.

او ضمن تتبع در کتب لغت و تفاسیر مأثور، کوشیده در هر مورد علاوه بر حفظ بیشترین شباهت به صورت متن اصلی، حتی الامکان مفهوم حقیقی قرآن را نیز پوشش دهد و برآیند تلاشش ترجمه‌ای است عمیق، متین و فراگیر، با کمترین میزان اختلاف نسبت به متن اصلی.

#### منابع

- قرآن کریم، ترجمه خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۴).
- تهران: دوستان، چاپ اول.
- کتاب مقدس ترجمه تفسیری: شامل عهد عتیق و عهد جدید (بی تا). بی جا: بی نا.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، محقق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.

به شمار می‌روند. اما زمانی که این دو باعث ایجاد ابهام یا انحراف در معنا گردند، فاصله گرفتن از ظاهر متن مبدأ و کنار نهادن محدودیت‌های زیبایی‌های ادبی، امری ضروری است. التزام بیش از حد آبروی به صورت متن اصلی، عدم غور در کتب لغت و تفسیر و تأثیرپذیری از آموزه‌های مسیحیت، در مواردی موجب دست نیافتن به معنای حقیقی قرآن و تحریف کلام الهی شده است. از طرف دیگر سبک ادبی وی گاهی اصل اساسی انتقال پیام را تابعی از خود قرار داده است. به این معنا که حفظ سبکی موزون و آهنگین منجر به پیدایش واژگان و عباراتی شده که در ایجاد تعادل معنایی با متن اصلی توفیقی حاصل نکرده‌اند.

در مقابل، شاکر براساس نظریه‌های مقصد گرایانه ترجمه و با کمک گرفتن از منابع اسلامی - شیعی، تفهیم مطلب را به پابندی به الفاظ و جمله‌بندی‌های متن اصلی، ترجیح می‌دهد و از این رو ترجمه وی برای عموم مردم قابل استفاده است. اما گزینش معادل‌هایی مطابق مشرب کلامی مترجم، تصریح بر اموری که آشکار بودن آن در متن اصلی بنا نبوده، بسط کلام و ترجمه اضافی به دور از ضرورت و مواردی از این دست، این تصور را به همراه دارد که گویا شاکر در مواردی تفسیر خاص خود را به مخاطب ارائه داده است.

قرایی اما، با پیمودن راه وسط، از طرفی با مبنا قرار دادن متن مبدأ و با رویکرد ترجمه عبارت به

- اردستانی، مریم (۱۳۸۰). «آشنایی با مصححان و محققان: آبروی و فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی اسلامی»، *آینه میراث*، شماره ۱۵، زمستان، صص ۵۸ تا ۸۸.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱). *تهذیب اللغه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- اسعدی، مرتضی (۱۳۶۵). «کتابشناسی جهانی ترجمه‌های قرآن مجید»، *نشر دانش*، سال ششم، شماره ۶، مهر و آبان، صص ۴۸ تا ۵۱.
- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*، تهران: اسلامی، چاپ دوم.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶). «لزوم رعایت مبانی کلامی در ترجمه قرآن مجید»، *ترجمان وحی*، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۷۴ تا ۸۲.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ق). *الصحاح*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
- حلی، جمال‌الدین (بی‌تا). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح حسن حسن زاده آملی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- خرمشاهی بهاء‌الدین (۱۳۷۳). «ترجمه انگلیسی جدید از قرآن کریم (به قلم شاکر)»، *بینات*، شماره ۲، تابستان، صص ۱۰۸ تا ۱۱۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). «ترجمه‌ای متین و ماندگار از قرآن مجید به قلم استاد قرایی»، *ترجمان وحی*، شماره ۱۴، پاییز و زمستان، صص ۵۹ تا ۷۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). *قرآن پژوهی*، جلد اول، تهران: دوستان، چاپ دوم.
- خوئی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). *البیان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم، چاپ اول.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۵). «مبانی ترجمه قرآن»، *مجله بینات*، شماره ۴۹ و ۵۰، بهار و تابستان، صص ۵۳ تا ۷۷.
- زمخشری، محمودبن عمر (۱۹۷۹). *أساس البلاغه*، بیروت: دار صادر، چاپ اول.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۲). «ترجمه قرآن، مشکلات و دیدگاه‌ها»، *مجله مترجم*، شماره ۱۰، تابستان، صص ۳۲ تا ۶۲.
- صافی، محمود بن عبد الرحیم (۱۴۱۸). *الجدول فی اعراب القرآن*، دمشق، بیروت: دار الرشید، مؤسسه الإیمان، چاپ چهارم.
- صفار زاده، طاهره (۱۳۸۴). *اصول و مبانی ترجمه*، تهران: پارس کتاب، چاپ هشتم.
- طالقانی، سید عبدالوهاب (۱۳۷۷). «راه دست‌یابی به ترجمه مطلوب از قرآن کریم»، *ترجمان وحی*



- شماره ۳، شهریور، صص ۲۹ تا ۴۷. - کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۷۶). «یکسانی و هماهنگی
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- فضل بن حسن (۱۳۷۷). *تفسیر جوامع الجامع*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- الفراهیدی، الخلیل بن احمد (۱۴۰۹)، *کتاب العین*. قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
- قدوایی، ا.ر. (۱۳۷۷). «نگاهی به قرآن مفسر آربری»، ترجمه علیرضا انوشیروانی، *مجله وقف میراث جاویدان*، شماره ۲۳ و ۲۴، پاییز و زمستان، صص ۶ تا ۱۶.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- قریشی، سیدمحمدحسین؛ جهانجویان، طاهر (۱۳۹۱). «بررسی نمونه‌هایی از انعکاس ایدئولوژی مترجمان در ترجمه قرآن»، *مجله پژوهش‌های اسلامی*، شماره هشتم، پاییز و زمستان، صص ۱۲۷ تا ۱۵۶.
- کریمی، محمد (۱۳۸۳). «ضرورت به‌کارگیری باورهای صحیح در ترجمه قرآن»، *مجله معرفت*، شماره ۸۳، آبان‌ماه، صص ۱۲۷ تا ۱۵۶.
- کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۷۶). «یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن»، *ترجمان وحی*، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۷ تا ۲۴.
- لارنس، بروس ب. (۱۳۸۷). «بازآفرینی سجع در ترجمه‌های انگلیسی قرآن: قرائت دقیق سوره الضحی و آیه بسم الله»، ترجمه ابوالفضل حری، *ترجمان وحی*، شماره ۲۴، پاییز و زمستان، صص ۴۶ تا ۶۹.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۴). *درآمدی به اصول و روش ترجمه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دار الکتب العلمیه مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ سوم.
- موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰). *الإفصاح*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ چهارم.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۶). *روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی*. تهران: سمت، چاپ سوم.
- نقی‌پور، ولی‌الله (۱۳۷۲). «اصول ترجمه قرآن»، *مجله مترجم*، شماره ۱۰، صص ۲۰۱-۲۰۴.
- واعظی، محمود (۱۳۸۸). «تقد ارزیابی ترجمه‌های انگلیسی سوره انسان»، *مجله پژوهش دینی*، شماره ۱۸ بهار و تابستان، صص ۱۳۳ تا ۱۶۲.
- Arberry, A.J. (1955). *The Koran Interpreted*, New York: Macmillan Publishing Company.

- Shaker, M.H. (2003). *The Holy Quran*, Qum: Ansaryan Publication.
- Sultana, N (1984). “**The Translation of Literary Texts: A Paradox in Theory**” a paper presented at the 1<sup>st</sup> International Conference on “Literature in Translation”, New Delhi: March 1984.
- Summers, Della (2003). *Longman Dictionary of Contemporary English*, London: Cambridge University Press.
- Thomson, A.J. (1986). *A Practical English Grammar*, Hong Kong, Oxford University.
- Hornby, A.S. (1989). *Oxford Advanced Learner’s Dictionary*, Oxford.
- Karoubi, B. (2003). “Ideology and Translation with a Concluding Point on Translation Teaching”, Retrieved Nov.2, 2010, from <http://www.translationdictionary.com>.
- Newmark, Peter (1981). *Approaches to translation*, Oxford.
- Qaraei, Ali Quli (2004). *The Quran with a Phrase-by-Phrase English Translation*, Qum: Quran Translation Center.